وقایع جنگ فرهنگستان (از غره صفر 1337 تا 15 جمادی الاولی 1337)

مردن آنها را از گرسنگی نبینند و همچنین بچّه‏هائی را که پدر و مادرشان‏ مرده و یا از پرستاری آنها عاجز مانده‏اند بمریضخانهء دعاة مسیحی میسپارند که آنها را غذا بدهند و گویا تمام مریضخانه از این قبیل بدبختان نیم‏مرده‏ پر است و عدّهء کمی از آنها قوّهء بهبودی دارند...طبیبهء مشار الیها مینویسد که در ظرف شش ماه گذشته کارکنان هیئت دعاة مسیحی انگلیسی‏ تکالیف خود را در اقدام بامور بریّه با کمال خوبی انجام داده‏اند بطوریکه‏ از دهات اطراف اصفهان گندم و آرد خریده و بتوسّط قوای مسلّح‏ وارد شهر نموده و در نانواخانهای خود مریضخانه نان پخته بمردمان‏ فقیر توزیع نموده‏اند.ولی باوجوداین قحطی روزبروز شدّت کرده و وجوهی که از طرف هیئت مذکور جمع‏آوری شده همانا قریب بتمام شدن‏ است و اگر بزودی زود کمک نقدی از انگلستان بآنها نشده و پول‏ فرستاده نشود هزارها مردم از گرسنگی خواهند مرد.

در خود طهران اگرچه قیمت جنس نسبت بسال گذشته خیلی تنزّل‏ کرده یعنی پاره‏ای اوقات گندم از دویست تومان بتقریبا پنجاه تومان‏ و جو از صد و شصت تومان بسی تومان رسیده ولی هنوز وحشت و اضطراب مردم از بابت کمی محصول و قحطی امسال روزبروز در ازدیاد بوده است و یکی از عمده‏ترین اسباب اضطراب مردم پیش‏خری بانک‏ شاهنشاهی و سایر عمّال انگلیسی است که جنس را پیش از موسم برای‏ قشون انگلیسی میخرند.قیمت امتعهء خارجه خیلی بالا رفته مثلا قند یک‏ من تبریز پنج تومان،چائی یک گروانکه سه تومان،ماهوت معمولی ذرعی‏ 8-10 تومان.خود انگلیسها امتعهء خارجی وارد ایران کرده میفروشند. مخصوصا در این اواخر امتعهء ژاپونی زیاد وارد ایران میشود.قیمت‏ نان نسبت بسایر ارزاق چندان فاحش نیست یعنی یک من 3-4 قران‏ و این قیمت نانواخانهائی است که از طرف حکومت جنس بآنها داده‏ میشود.قیمت برنج وسط هم 13-24 قران بوده است.نیز علاوه بر ناخوشیهای وبا و حصبه و مطبقه و تب و لرز اسپانیولی و تب و لرز مکزیکی‏ که پارسال شیوع داشته است اوایل امسال نیز تب و لرز مخصوصی که در طهران آنرا تب و لرز پنجاه ساعتی مینامند شایع شده است که اغلب مهلک‏ میباشد.و از اخباری که بعد از انتشار شمارهء اخیر کاوه مطلّع شده‏ایم اینکه‏ شاهزاده مسعود میرزای ظل السلطان و حاجی محمّد کاظم ملک التجّار تبریزی و حاجی محمّد علی شالفروش معروف بحاجی علی حاجی حبیب‏ نیز وفات یافته‏اند.

وقایع جنگ فرنگستان‏ (از غرّهء صفر 1337 تا 15 جمادی الأولی 1337)

در این اواخر اتّفاقات و وقایع گوناگون آلمان نظر توجّه عالمیانرا بخود جلب نموده و تقریبا خیلی از پیش‏آمدهای ممالک دیگر در تحت‏ الشّعاع واقع شده است.حقیقة هم وقایع چند ماه اخیر آلمان از هر حیث اهمیّت بسیار میباشد چه از یک طرف سلطنت‏ 237 سالهء خانواده هوهنتزولرن‏1در پروس(1100-1337) که آخرین فرد آن امپراطور ویلهلم دوّم بود از میان رفت و از طرف دیگر هیئت دولتی که بیشتر اعضای آن سوسیالیست هستند بر سر کار آمد.

هیئت دولتی که پس از انقلاب 4 صفر 1337 بر سر کار آمد موقّتی‏ بود و مقرّر شده بود که در 16 ربیع الثّانی 1337 ملّت آلمان وکلائی‏ انتخاب نماید که در یک مجلس اساسی«مجمع ملّی»2جمع شده و قانون‏ اساسی تازهء مملکت را وضع نموده و دولت قانونی تازه‏ای تشکیل دهند. اکثریّت عمدهء ملّت آلمان هم با این ترتیب همراه بود ولی دستهء سوسیالیستهای بکلّی چپ یعنی مفرط موسوم به«اسپارتاکوسی»ها که‏ مسلکشان تقریبا همان مسلک«بالشویکی»های روسیّه است با نظریّات‏ سوسیالیستهای دیگر مخالف بودند و نظرشان این بود که اختیارات دولتی‏ باید فقط در دست هیئتهای عمله و سرباز باشد و سایر طبقات ملّت در آن‏ دستی نباید داشته باشد.رؤسای حقیقی این دسته علاوه بر کارل‏ لیبکنشت(رجوع شود بمقالهء اساسی همین شماره)زنی بود اصلا لهستانی‏ و موسوم به رزا لوکزمبورگ‏3.و هم باید دانست که اسپارتاکوس در تاریخ اسم غلامی است که در حوالی سال 70 میلادی در روم قدیم‏ قریب 70 هزار نفر غلامان را شورانده و مدّت دو سال تمام با شجاعت‏ و فداکاری هرچه تمامتر با قشونهای متوالی روم جنگید تا آنکه بالأخره در سال 71 میلادی کشته شد و نام وی ضرب المثل ماند.خلاصه اسپارتاکوسیها چندین بار در برلن درصدد برآمدند که هیئت دولت را سرنگون‏ نمایند ولی بالأخره موفّق نشدند همینقدر باید دانست آخرین باری که‏ طغیان نمودند 2 ربیع الثّانی 1337 بود که با سرعت تمام اغلب‏ ادارات و مطبعه‏های روزنامه‏های عمدهء برلن و بعضی ادارات و مراکز مهمّ دیگر را بتصرّف درآورده ولی کم‏کم دولت هم قوائی از خارج‏ و داخل شهر فراهم آورده و کار را باسپارتاکوسیها سخت‏ گرفت تا بالأخره در شب 13 ربیع الثّانی مزبور لیبکنشت و رزا لوکزمبورگ هر دو بترتیبی که حقیقتش هنوز کاملا معلوم نشده‏ دستگیر و کشته شدند.

چند روز بعد(26 ربیع الثّانی 1337)روز انتخابات بود برای‏ «مجمع ملّی».

این انتخابات که بنا بقانون انتخابات جدید مساوی و عمومی و مخفی‏ و مستقیم برای کلیّهء تبعهء آلمان از زن و مرد که سنّشان از 20 سال متجاوز باشد بود تازگی مخصوصی که داشت این بود که نسبی بود و از آنجائی که‏ این مسئله دارای اهمیّت مخصوص است در اینجا بعضی تفصیلات در آن خصوص داده میشود:

انتخابات نسبی

انتخابات نسبی که اوّلین بار در آلمان بموقع اجرا گذاشته شد خیلی‏ از انتخابات از روی اکثریّت بعدالت و انصاف نزدیکتر است.چونکه‏ حکمت انتخاب اصلا این است که تمام دسته‏های یک ملّتی از طرف خود نمایندها انتخاب کنند که عقاید آنها را نماینده و طرفدار باشد.وقتی که‏ بنای انتخابات باکثریّت شد معلوم است هر دسته‏ای که بیشتر طرفدار داشته باشد در انتخابات پیش میبرد و دسته‏های دیگر را از نماینده داشتن باز میدارد و چه بسا میشود که مثلا یک ثلث ملّت و گاهی بلکه بیشتر هم بکلّی بی‏نماینده‏ میماند.مثلا شهر بوشهر که باید دو نماینده انتخاب نماید فرض کنیم عدّهء انتخاب‏کنندگان در آن شهر 000‘10 باشد و از این عدّه 5500 نفر دموکرات و 4500 نفر اعتدالی باشند معلوم است در موقع انتخابات‏ دموکراتها پیش برده و اکثریّت خواهند داشت و صاحب دو نماینده‏ خواهند شد در صورتیکه اعتدالیها که عدّه‏شان یک در یازده از دموکراتها کمتر است بکلّی بی‏وکیل و نماینده خواهند ماند و در امور مملکتی بی‏ حقّ.در صورتیکه بنای انتخابات نسبی بر آن است که هر فرقه‏ای نسبت‏ بعدّهء خود نماینده داشته باشد و مثلا در اصفهان که 3 وکیل باید داشته‏ باشد اگر عدّهء انتخاب‏کنندگان فرقهء دموکرات 6000 نفر و انتخاب‏ کنندگان دستهء اعتدالی 3000 نفر باشد دموکراتها دو وکیل و اعتدالیها یک وکیل خواهند داشت و نتیجهء این‏گونه انتخابات نسبی مخصوصا در ممالکی که دارای فرقه‏های سیاسی پارلمانی متعدّد میباشد خیلی بیشتر محسوس‏ میگردد مثلا شهر برلن را که باید 14 وکیل انتخاب نماید و دارای 6 فرقهء سیاسی است فرض میکنیم دارای 000‘700 نفر انتخاب‏کننده باشد و نتیجهء شمارهء آراء بترتیب از راست بچپ از قرار ذیل باشد:

1-فرقهء ملّی عامّهء آلمانی‏1(سلطنت‏خواهان کهنه‏ پرست)...000‘28 رأی

2-فرقهء عامّهء آلمانی‏2(معتدلین)...000‘14 رأی

3-فرقهء مسیحی عامّهء آلمانی‏3(جمهوری‏طلبان معتدل و طرفداران حقوق کلیسا)...000‘76 رأی

4-فرقهء دموکرات آلمانی‏4(آزادی‏طلبترین فرقه‏های‏ غیر اجتماعی)...000‘112 رأی

5-فرقهء سوسیالیستهای اکثریّت...000‘270 رأی

6-فرقهء سوسیالیستهای مستقلّ...000‘200 رأی

000‘700 رأی

در این صورت اگر بنای انتخابات باکثریّت و اقلیّت بود هر 14 نفر وکیل بفرقهء سوسیالیستهای اکثریّت میافتاد که دارای 000‘270 رأی بودند و اکثریّت داشتند و سایر فرقه‏ها که رویهمرفته دارای 000‘430 رأی بودند بی‏وکیل میماندند در صورتیکه بنا بانتخابات نسبی اگرچه باز عدالت کامل‏ بعمل نخواهد آمد ولی این ظلم فاحش اقّلا مرتفع خواهد شد چنانکه ذیلا دیده خواهد شد.در صورت انتخابات نسبی طریق تقسیم وکلا بین فرقه‏ها این است که اوّل عدّهء کلّ آراء هر فرقه‏ای را در زیر اسم خود پهلوی‏ یکدیگر مینویسند و بعد هریک از آنها را به 1 و 2 و 3 و 4 و غیره‏ تقسیم مینمایند مثلا در صورت مثالی که در فوق راجع بانتخابات برلن داده‏ شده چنین عمل مینمایند:

(به صفحه تصویرمراجعه شود) پس از ترتیب دادن صورت فوق درمیان حاصل قسمتهائی که در آن‏ جدول مندرج هستند چهارده‏تائیرا که از همه بزرگتر هستند پیدا نموده‏ و 14 وکیل را بآن 14 حاصل قسمت میدهند و در اینجا ما زیر چهارده‏ حاصل قسمت مذکور را خطّ میکشیم که پیدا نمودن آن برای خوانندگان‏ آسانتر گردد.و از اینرو 14 وکیل مذکور بجای آنکه تمام آن قسمت‏ سوسیالیستهای اکثریّت گردد بطریق ذیل قسمت میشود:

سیولیستهای اکثریّت...6 وکیل

سیولیستهای مستقلّ...5 وکیل

فرقهء دموکرات آلمانی...2 وکیل

فرقهء مسیحی عامّهء آلمانی...1 وکیل

14 وکیل

معلوم است این ترتیب بعدالت و انصاف خیلی نزدیکتر است و نمایندگی‏ ملت را خیلی بهتر اجرا مینماید ولی باوجوداین چنانکه ملاحظه میشود باز خالی از نقص نیست برای آنکه مثلا در مثال مذکور فرقهء«ملّی عامّهء آلمانی»که دارای 000‘28 رأی و فرقهء«عامّهء آلمانی»که دارای 000‘140 رأی بودند بدون وکیل ماندند.ولی معلوم است که فرق مسئله باز بسیار است برای آنکه بجای 000‘430 نفر که چنانکه در فوق مذکور آمد در صورت انتخابات از روی اکثریّت و اقلیّت بی‏وکیل و نماینده میماندند حالا فقط 000‘42 نفر(000‘28+000‘14)بی‏وکیل میمانند یعنی فرق‏ مسئله 000‘388 نفر میشود.و حتّی در انتخابات نسبی برای آنکه این نقص و عیب جزئی هم تا حدّی رفع شود راهی پیدا نموده‏اند که عبارت است از آنکه‏ فرقه‏هائی که عدّهء انتخاب‏کنندگانشان خیلی کم است و احتمال آن میرود که‏ از داشتن نماینده بی‏نصیب بمانند باهم در موقع انتخابات ائتلاف مینمایند و اغلب میشود که یک یا چند وکیلی میبرند و بعد باز مابین خودشان از روی همان قرار تقسیم در جدول فوق معیّن مینمایند که این یک یا چند وکیل بکدام یک از فرقه‏های مؤتلفه میافتد.مثلا در مثال فوق انتخابات‏ در برلن اگر دو فرقهء«ملّی عامّهء آلمانی»(000‘28 رأی)و«عامّهء آلمانی» (000‘14 رأی)با هم ائتلاف نموده بودند رویهم دارای 000‘28 بعلاوه‏ 000‘14 رأی یعنی 000‘42 رأی میشدند و یک وکیل بآنها میرسید و بعد چون 000‘28 بیشتر از 000‘14 است آن یک وکیل بفرقهء«ملّت‏ خواهان ملّی آلمان»میرسید.

خلاصه آنکه در 16 ربیع الثّانی 1337 زن و مرد ملّت آلمان از روی‏ انتخابات نسبی وکلای خود را برای مجلس اساسی انتخاب نمودند.روز مذکور و هم چند روز پیش از آن شهر برلن بسیار تماشائی بود.اعلانات‏ و بیان‏نامه‏های مصوّر یا غیر مصوّر فرقه‏های مختلف دیوارهای کوچه‏ها و شیشه‏های مغازه‏ها و سطح زمین را سفید کرده بود.نویسندهء این‏ سطور خود آسمان‏پیمائی را دید که از بالای آسمان هزارها از این اعلانات‏ بر سر عابرین شهر میباراند و اعلانات مزبور را باد مانند گلّه‏های کبوتر از این طرف بآن طرف میراند و برای تماشاگر منظرهء خیلی قشنگی ترتیب میداد.

چند روز بعد نتیجهء انتخابات داده شد و معلوم گردید که 40 ملیون‏ انتخاب‏کنندهء آلمانی 421 وکلای خود را از قرار ذیل انتخاب نموده‏اند:

فرقهء سوسیالیستهای اکثریّت...163 وکیل

فرقهء مسیحی عامّهء آلمانی...88 وکیل

فرقهء دموکرات آلمان...75 وکیل

فرقهء ملّی عامّهء آلمانی...42 وکیل

فرقهء سوسیالیستهای مستقلّ...22 وکیل

فرقهء عامّهء آلمانی...21 وکیل

فرقهءهای مختلفهء محلّی دیگر باهم 10 وکیل

421 وکیل

در همان بین هیئت موقّتی مقرّر داشت که مجلس اساسی‏ در برلن منعقد نشود و در شهر وایمار1محلّ تولدّ گوته‏2شاعر مشهور آلمان پایتخت مملکت تورینگن‏3از ممالک بیست و شش‏گانهء آلمان برپا گردد.در 5 جمادی الأولی 1337 اوّلین روز افتتاح مجلس‏ اساسی بود.اغلب سفرای ممالک خارج و از آن جمله جناب‏ آقای حسینقلی خان نوّاب سفیر ایران در آن مجلس مدعوّ بودند و حضور داشتند.ابرت سابق الذّکر(رجوع شود بمقالهء اوّل همین‏ شماره)که رئیس هیئت دولت موقّتی بود نطق افتتاحیّه خود را بدین‏ کلمات شروع نمود:«خانمها و آقایان من دولت بواسطهء من تهنیتهای‏ خود را تقدیم این مجمع که واضع قانون اساسی خواهد بود مینماید.و خصوصا تهنیتهای خود را از صمیم قلب تقدیم خانمهائی مینمایم که اوّلین بار با حقوق‏ مساوی در مجلس شورای ملّی قدم مینهند.انقلاب اقتدارات دولتی را بما سپرده بود و امروز ما آن اقتدارات را باختیار مجلس اساسی میگذاریم.» مقصود از خانمهائی که طرف خطاب ابرت میباشند قریب 35 نفر زنهائی هستند که از طرف فرقه‏های مختلف وکیل شده‏اند.و این مسئلهء مساوات حقوق برای زنها حالا در بعضی از ممالک متمدّنه جاری است. خلاصه مجلس اساسی بنای سلطنت آلمان را بر جمهوری نهاده و در روز 10 جمادی الأولی 1337 همان ابرت سابق الذّکر را بریاست جمهوری‏ آلمان انتخاب نمود.ابرت که خود از رؤسای فرقهء سوسیال دموکراتهای‏ آلمان است و اکنون رئیس جمهوری است اصلا سرّاج بوده است و از آنجائیکه در واقعات اخیره بسیار کاردانی و عقل و حزم و اراده بمنصهء ظهور رساند توجّه و اعتماد ملّت را بخود جلب نموده و کم‏کم بمقام مذکور رسید.ابرت فورا شایدمان را که ذکرش در مقالهء اوّل همین شماره‏ گذشته است بریاست وزرا انتخاب نموده و شایدمان هم که خود از سردسته‏های فرقهء سوسیالیستهای اکثریّت است هیئت وزرائی انتخاب نموده‏ که اعضای آن از فرقه‏های چهارگانهء ذیل میباشند:1-سوسیالیستهای‏ اکثریّت،2-مسیحی عامّهء آلمانی،3-دموکرات آلمانی، 4-سوسیالیستهای مستقلّ.

از آن پس مجلس اساسی با کمال پشت‏گرمی مشغول انجام تکالیف‏ خویش است و حالا باید منتظر شد و دید اقدامات دولت تازه در راه‏ صلح و آتیهء دنیا بکجا منتهی خواهد شد.

صحبتهای علمی و ادبی

اخیرا جمعی از ایرانیان مقیم برلین انجمن کوچکی برای مذاکرات‏ و مباحثات علمی و ادبی ترتیب داده‏اند و از نتایج این انجمن ترتیب یک‏ رشته صحبتهای علمی و ادبی(کنفرانس)عمومی است که هر ماهی یکبار در تالار مخصوص یکی از قهوه‏خانها برای همهء ایرانیان داده میشود. این صحبتها در حقیقت بشکل رساله‏ایست تحریری که مؤلف آن آنرا در حضور مردم میخواند.صحبت اوّل مال آقای میرزا حسین خان کاظم‏ زاده که در 12 ماه محرّم 1337 خوانده شد راجع باصلاح خطّ فارسی‏ و تسهیل تعلیم الف بای آن بود.صحبت دوّم مال آقای میرزا سیّد محمّد علی خان جمال‏زاده بود راجع بتاریخ روابط روس و ایرن از زمان‏ قدیم تا حال(از سنهء 267 هجری باینطرف)که در 9 ماه صفر 1337 داده‏ شد.صحبت سوّم بعنوان تمدّن قدیم ایران و مذهب زردشت بود که آقای‏ میرزا محمّد علی خان تربیت در اواسط ربیع الاوّل 1337 گذشته خواندند و صحبت چهارم راجع بادبیّات فارسی و مخصوصا فرق حروف دال و ذال‏ بود که آقا میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی در 13 ربیع الثّانی 1337 خواندند.